

بررسی تفاسیر سه مفسر گُرد معاصر (نورسی، جلی زاده، سبحانی)

جهانگیر ولد بیگی^۱، مهدی حسین پناهی^۲

^۱ گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹ - ۱۴۶۶۵ تهران، ایران
^۲ گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹ - ۱۴۶۶۵ تهران، ایران

چکیده

قوم گُرد در طول تاریخ اسلامی خود از ابتدا تا به امروز در زمینه های مختلف از جمله تفسیر قرآن تلاش های چشمگیری داشته است و تفاسیر متعددی را با زبانهای مختلف از جمله عربی، گُردی، فارسی به جامعه اسلامی تقدیم کرده است. در این پژوهش به بررسی تفاسیر سه مفسر گُرد معاصر پرداخته شده است. پژوهش حاضر که یک پژوهش تاریخی به شمار میرود به صورت توصیفی تحلیلی بوده و موضوعات آن از منابع تاریخی به صورت کتابخانهای گردآوری شده است. روند چنین امری در عصر حاضر بیش از گذشته بوده است به طوری که میتوان در صد سال اخیر به بیش از ۶۰ تفسیر کامل و ناقص که برخی به چاپ رسیده و برخی همچنان مخطوط هستند اشاره کرد. در این میان تفسیر سعید نورسی (ساکن کردستان ترکیه)، ملامحمد جلی زاده (از کردستان عراق) و استاد ناصر سبحانی (از کردستان ایران) هم از جهت منهج و هم بیان مطالب، بیش از همه جلب توجه میکنند.

واژه های کلیدی: گُرد، تفسیر، مفسر، نورسی، جلی زاده، سبحانی.

مقدمه

هر چند آشنایی قوم کُرد با اسلام به زمان حیات پیامبر بر می‌گردد و در منابع معتبر نامی از صحابه بزرگوار کُرد به نام "جابان کُردی" آمده است، اما به صورت عموم قوم کُرد از طریق فتوحات اسلامی در سال ۱۷ هجری در زمان خلافت حضرت عمر خلیفه دوم مسلمانان (رض) اسلام را پذیرفتند. (برزنجی، ۲۰۱۰، ص ۴۳) این قوم در طول تاریخ اسلامی خود تا به امروز در بنای تمدن و فرهنگ اسلامی نقش چشم‌گیری داشته است. یکی از بارزترین زمینه‌های تلاش علمای این قوم تفسیر کلام خدا (قرآن) بوده است که آثار به جای مانده در این زمینه به قرن سوم و آثاری از جمله: تأویل مشکل القرآن. تفسیر دینوری در سیزده جلد. ابوحنیفه دینوری (احمد بن داود). (ت/۵۲۹۰ق.) (ابن عبدالله مصطفی، ۱/۴۴۷) و... بر می‌گردد. در عصر حاضر و در میان آثار متعدد تفسیری علمای این قوم سه اثر تفسیری با سه منهج تقریباً متفاوت در سه نقطه‌ی مختلف کُردستان به نام-های:

۱. اشاره‌ی الاعجاز فی مظان الایجاز. بدیع الزمان سعید نورسی (۱۹۶۰-۱۸۷۳م)

۲. تفسیر قرآن به زبان کُردی. ملا محمد بن عبدالله جلی زاده کُوبی (۱۹۴۳-۱۸۷۶م)

۳. تفسیر قرآن کریم استاد ناصر سبحانی (۱۳۶۸-۱۳۳۰ه.ش)

وجود دارند که هر یک از آن‌ها از ویژگی‌ها و منهج خاصی برخوردارند که در این مقاله در صدد بیان چنین امری خواهیم بود.

۱. بدیع الزمان سعید نورسی^۱

بدیع الزمان سعید نورسی به عنوان مفسری که اثر تفسیری مستقلی داشته باشد شناخته شده نیست. او به صورت متفرق، در زمینه تبیین کلام خدا در "رسایل نور" بیانات بسیار دقیق و زیبایی دارد. تنها اثری که بتوان در زمینه تفسیر از ایشان به آن اشاره کرد و در آن تنها به تفسیر سوره "حمد" و آیات نخست تا سی و یک سوره "بقره" پرداخته است اثر "اشارات الاعجاز فی مظان الایجاز" است. "تألیف اشارات الاعجاز در سال نخست جنگ جهانی اول در جبهه جنگ بدون هیچ مصدری و مرجعی به پایان رسید. ظروف و شرایط جنگ به گونه‌ای بود که این تفسیر در نهایت اختصار نوشته شود." (نورسی، ۱۳۸۲، ص ۷)

آنچه ما را بر آن داشت که در قسمت تفسیر و مفسران به آن اشاره کنیم منهج و سبک خاص ایشان در تفسیر کم حجم ایشان است.

سعید در زمینه تفسیر معتقد به "تفسیر جمعی قرآن" است نه فردی آن و همیشه در آرزوی تشکیل هیئتی در این زمینه بوده است. ایشان هیئت مورد نظر را اینچنین توصیف می‌کنند: "این هیئت عالی رتبه باید دارای روح متعالیه و درجه اجتهاد و جزو

^۱ "سعید" در سپیده‌دم یکی از روزهای سال ۱۸۷۳م در روستای "نورس" از توابع استان "بتلیس" کردستان ترکیه به دنیا آمد و در رمضان سال ۱۹۶۰م بر اثر بیماری در شهر "اورفه" از دنیا رفت. ایشان از طرف پدر به امام حسن مجتبی (ع) و از طرف مادر به امام حسین (ع) می‌رسد و از این جهت از سادات اهل بیت است... سعید نورسی بعد از آنکه خبر سخنرانی "گلادسون" وزیر خارجه وقت انگلیس درباره قرآن کریم را شنید، با خود عهد بست تمام زندگی‌اش را صرف خدمت به این کتاب مقدس نماید و بدین منظور تصمیم به تأسیس یک دانشگاه اسلامی در شرق "آنادول" یعنی "کُردستان" گرفت اما در این زمینه موفق نگردید. او به تألیف رسایل فراوان در زمینه‌های عقیدتی، اخلاقی و... که به زبان تُرکی نوشته شده و به "رسایل نور" مشهور هستند شهرت جهانی دارد... پس از انقراض دولت عثمانی و روی کار آمدن مصطفی کمال آتاتورک در ترکیه که هرگونه جنبش اسلامی سرکوب، مساجد تخریب و علما محکوم به مرگ می‌شدند، سعید نورسی دلیرانه به دفاع از اسلام برخاست و در این مسیر دچار مشکلات فراوانی شد و سالیان سال در تبعید و زندان بسر برد ... (قاسم عبدالرحمن، بی تا، ص ۲۵)

اولیای خدا باشند. افراد این هیئت باید دارای خلوص نیت و صفای باطنی باشند و... باید همه با هم صمیمی باشند و با هم تبادل نظر نمایند زیرا به قول مشهور برای همه علما اعتباری است که برای تک تک آنها نیست." (همان. ص ۶-۷)

انگیزه سعید نوری در تفسیر قرآن "بیان اعجاز قرآن از لحاظ نظم و ترتیب نزول آن" بوده است. (همان. مقدمه) ایشان در تفسیر این مقدار کم از آیات، ترکیبات هر آیه را تقطیع کرده و به نکات بلاغی به شکلی بسیار دقیق و مفصل؛ حرف به حرف، کلمه به کلمه و جمله به جمله اشاره داشته و این روند از ابتدای سوره "حمد" تا انتهای آیه ۳۱ سوره "بقره" که انتهای تفسیر ایشان نیز می‌باشد ادامه داشته است.

نوری در خلال اشارات مفصل به مسئله اعجاز قرآن از لحاظ نظم و ترتیب نزول آن به قسمت‌های دیگر بلاغی و غیر آن نیز اشاره کرده است و معتقد است اساس اعجاز قرآن همان بلاغت آن و بلاغت قرآن نیز در همین نظم و ترتیب آیات و کلمات و حروف و ارتباط آنها با هم نهفته است. (همان. ص ۱۲۹) ایشان در بلاغت اهتمام ویژه به "تمثیل" داده است و در این زمینه بسیار مطلب نوشته است؛ مثلاً مسئله عرضه امانت را از باب تمثیل می‌داند نه حقیقت. (همان. ص ۱۳۴) سعید نوری در مسئله بلاغت قرآن بر حکمت "تکرار آیات" آن بسیار تأکید دارد و در هر بار تکرار اشاره به جنبه‌ای از جوانب قضیه دارد حتی بسم الله در ابتدای هر سوره به جنبه‌ای از جوانب قضایا اشاره دارد که قبلاً مطرح نبوده‌اند. (همان. ص ۳۱-۳۳ و ۳۹) سعید نوری محور اصلی و اساسی همه آیات و سوره‌های قرآن را چهار اصل توحید، نبوت، معاد و عدالت می‌داند. (همان. ص ۹) ایشان معتقدند که دنبال کردن این چهار اصل در کل قرآن و حتی در کلمات و حروف آن قابل مشاهده است. (همان. ص ۱۰)

تفسیر سعید نوری با وجود کم حجم بودنش یک تفسیر کاملاً بلاغی به حساب می‌آید و ایشان در این زمینه متأثر از زمخشری است بلکه بیش از ایشان نکات بلاغی را دنبال کرده است.

سعید نوری تفسیر را با عباراتی سلیس و روان بیان داشته است. او در این زمینه از همه‌ی علوم و فنون استفاده کرده است. (قاسم عبدالرحمن. بی تا. ص ۱۷۴) ایشان علاوه بر استفاده از فنون بلاغت به مسایل صرف و نحو و نیز به قوانین منطق از جمله موجبات شخصیه و کلیه و نقیض و... و به دیدگاه فرق اسلامی از جمله معتزله، متکلمین، جبریه و... نیز اشاره داشته است. او در تفسیر کوتاه خود از علوم مختلف از جمله علوم نجوم و امثال آن در اثبات وحدانیت خدا و نیز مسئله قیامت و وجود فرشتگان و معجزات پیامبران (ع) استفاده کرده است. (همان. ص ۱۷۵-۱۷۴) آنچه بیش از همه مورد توجه ایشان بوده است همان مسئله اعجاز قرآن در قسمت نظم و ترتیب کلمات و حروف و آیات و سوره‌ها با هم بوده است که همه آنچه گفته شد را به نحوی تحت الشعاع خود قرار داده است و به عبارت دیگر می‌توان گفت که استفاده "نوری" از همه علوم در تفسیر در جهت تبیین وجه نظم و ترتیب آیات قرآنی و معجزه بودن قرآن بوده است.

نکات قابل توجه دیگر در منهج تفسیری سعید نوری:

۱. توجه به منهج دعوت به سوی توحید بر دو پایه خوف و رجاء از دیدگاه قرآن. (نوری. ۱۳۸۲. ص ۷۴)
۲. به کارگیری روش سؤال و جواب در جهت تبیین بهتر آیات.
۳. موسیقی قرآن: "صداها و موسیقی‌هایی که قلب را به هیجان در آورد و عشق به عالم بالا را در آن قرار دهد جایز و روا می‌باشد..." (همان. ص ۸۴)
۴. توجه به مسایل کلامی: سعید نوری اهتمام ویژه‌ای به مسایل کلامی در جهت تبیین توحید، نبوت، معاد و عدالت داده است. ایشان در این زمینه دیدگاه اشاعره را دنبال کرده است؛ مثلاً در تفسیر (خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى

أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً... "بقره؛ ۷" به تفصیل به دیدگاه معتزله، جبریه، ماتریدیه و اشاعره در زمینه "مؤثر واقعی و حُسن و قبح افعال" پرداخته است. (همان. ص ۹۶-۸۳)

۵. توجه به مسایل عرفانی و ممزوج کردن آن با مسایل عقلی و علمی. (همان. ص ۱۶ و ۱۹ و ...)

۶. استفاده از آیات در جهت تبیین آیه یا آیات مورد تفسیر و نیز استفاده از روایات در جای جای تفسیر. (همان. ص ۲۵ و ۲۸ و ...)

ایشان "سنت" را وحی باطنی و استفاده از آن را در تفسیر قرآن امری ضروری می‌داند. (همان. ص ۵۴)

۲. ملامحمد بن عبدالله جلی زاده گویی:^۲

"ملاحمد" در کنار فعالیت‌های دینی، اجتماعی و سیاسی فعالیت‌های تألیفی نیز داشته‌اند که بارزترین آن‌ها تفسیر مشهورش به نام "تفسیری کوردی له که لامی خوداوندی (تفسیر قرآن به زبان کُردی) است. این اثر سالها پس از فوت مفسر و تصحیح آن توسط سه عالم برجسته منطقه در سال ۲۰۰۹م در سلیمانیه کردستان عراق در ده جلد با مجموع ۳۷۰۸ صفحه به چاپ رسید. انگیزه مفسر در تدوین این اثر پاسخگویی به درخواست گروهی از جوانان زادگاهش یعنی شهر کویه بوده است. (جلی زاده. ۲۰۰۹. ۷۳۴/۱۰-۷۲۳) ایشان در سال ۱۹۳۳م شروع به نوشتن تفسیر می‌کند و در تاریخ ۱۹۴۳/۱/۵م آن را به پایان می‌رساند. (همان) و در آن به استفاده از بسیاری از تفاسیر عقلی و نقلی معتبر موجود در حیات او اشاره دارد.

"ملاحمد جلی زاده" بر خلاف مفسران دیگر، بیشتر توضیحات در مورد هر سوره را به آخر تفسیر آن سوره موکول کرده تا با این توضیحات تناسبی بین سوره با سوره بعدی ایجاد کند. (همان. ۶۶/۲) او در ابتدای سوره‌ها گاهی تنها به نام سوره اکتفا کرده و گاهی اشاراتی به تعداد آیات و نیز مکی یا مدنی بودن و اختلافاتی در این زمینه و حتی مسایلی مانند وجود یا عدم وجود آیات نسخ در سوره نموده است. (همان. ۱۶۹/۳) ایشان گاهی به تقدیم و تأخیر نزول سوره، گاهی به تناسب و ارتباط یک سوره با سوره قبل، گاهی به نامهای دیگر سوره، گاهی نیز به فضیلت سوره‌ها اشاراتی دارد. مفسر آیات را نوشته و در کنار هر آیه تفسیر آن را بیان کرده است. آیات طولانی را تقطیع کرده است. اگر در جایی بیان مطلبی ضرورت داشته باشد و در متن تفسیر مناسبت نداشته باشد در پاورقی آن صفحه درج گردیده است. این روند از ابتدای تفسیر تا انتهای آن ادامه دارد.

روح منهج تفسیری مفسر اهتمام و توجه به تناسب و ارتباط آیات و سوره‌ها با هم و رعایت این تناسب با ترتیب مصحف موجود نه ترتیب نزول آن‌ها است و همین امر توجه ایشان به تفسیر آیات بر اساس آیات دیگر که منهج معمول در میان مفسران است را کم رنگ کرده است.

^۲ نامش محمد فرزند عبدالله گویه است. محمد در ماه رجب سال ۱۲۹۳ه.ق در منطقه "بیگلاس" از توابع "پشدر" به دنیا آمد و در تشرین سال ۱۹۴۳م بر اثر بیماری در زادگاهش دار فانی را وداع گفت. او ملقب به "ملاحمد جلی زاده" (تفسیر کوردی (۷۲۲/۱۰)) و بعد از فوت پدر به "مه‌لای گه-وره" (عالم بزرگ) مشهور است. در عهد حکومت عثمانی به خاطر مسئولیتهای رسمیش به "ملاحمد افندی" شناخته می‌شد. ملاحمد در سال ۱۹۱۵م به عضویت در مجلس ولایت موصل در آمد؛ و در سال ۱۹۱۴م به عنوان قاضی کویه منصوب گردید. در سال ۱۹۲۴م عضویت در مجلس تأسیسی عراقی را پذیرفت. بعد از پایان مدت قانونی نمایندگی به منطقه کویه برگشت و به کار قضاوت تا سال ۱۹۲۸م ادامه داد و بعد از آن همی وقت خود را به تدریس و تألیف اختصاص داد. سال ۱۹۳۰م سال نضج فکری و فلسفی ایشان بود. ایشان به ذکاوت، حلاوت کلام، متمسک به کتاب و سنت پاک نبوی، ایمان راسخ به قدر و قضای خداوند، عزت نفس، عدم بودن در خدمت رؤسا و امراء، قانع به کسب و کار کشاورزی خود، سخاوت طبع، زاهد، متواضع مشهور است. "به نظر من ملاحمد در عصر خود در میان قوم کُرد و علمای آن بعد از سعید نوری (بدیع الزمان) عالم‌ترین فرد بوده و نمونه ایشان یا نبوده و یا بسیار نادر بوده است." (بایپر. ۲۰۰۸. ص ۱۶)

نکته قابل توجه دیگر در منهج تفسیری مفسر، بر خلاف روند رایج بین مفسران، کم توجهی به روایات رسیده از پیامبر در تبیین معنا و مفهوم آیات است. چنین کم توجهی به حدی است که به جرأت می‌توان گفت که ملاک مفسر عدم استفاده و توجه به روایات در تبیین آیات است به طوری که در ده مجلد تفسیر وجود روایات انگشت شمار است. (همان. ۸۲/۱، ۱۵۳/۸)

استفاده از اقوال اصحاب و به ویژه تابعین بر خلاف روایات پیامبر در اولویت کار مفسر بوده است. چنین روندی در ابتدای تفسیر کمتر مشاهده می‌شود اما هر چه به اواخر تفسیر نزدیک و نزدیک‌تر می‌شویم نقل قولهایی از اصحاب و تابعین بیشتر و بیشتر مشاهده می‌شود...

* توجه به علوم تجربی و نقش عقل در تفهیم آیات دو ویژگی برجسته در تفسیر جلی زاده:

نکته قابل توجه در تفسیر مفسر توجه به "علوم تجربی" در تبیین بهتر آیات است و همین امر تفسیر ایشان را در میان تفاسیر دیگر مفسران گرد و بسیاری از مفسران غیر گرد برجسته کرده است. مفسر در جای جای تفسیر از کم توجهی مسلمانان در عصر حاضر به مسایل علمی اظهار تأسف کرده و آن‌ها را تشویق به کسب علم و دنبال کردن علوم جدید و عدم اکتفاء به آنچه داشته‌اند و دارند می‌کند. آن‌ها را متوجه این امر می‌کند که انجام عمل صالح در مسیر بندگی خدا متضمن علم و کیاست و فراست است. (همان. ۷۱۶/۱۰) مسلمانان را در عقب افتادگی در علوم جدید از جهان غرب مورد سرزنش قرار می‌دهد و گاه گاهی نیز این مشکل را به وجود خرافات موجود میان آن‌ها و سرگرم شدنشان به این خرافات متهم می‌کند. ایشان در جایی به لزوم کسب قدرت که در گرو کسب علم می‌باشد چنان پیش رفته است که آن را از ادای نماز لازم‌تر و ضروری‌تر می‌داند. (همان. ۲۴۹/۱۰) در جایی مدار دنیا و قیامت را در گرو کسب قدرت می‌داند. (همان. ۳۸۲/۱۰) در جایی زبان به تشکر و قدردانی از محققین و دانشمندان غربی می‌گشاید که در مسیر کشف مجهولات ما را در ازدیاد ایمانمان و احترام به کتاب آسمانیمان تقویت می‌کنند. (همان. ۳۸۸/۱۰) در جایی نیز رمز پیشرفت غرب را در کشف و اختراعات مسایل جدید می‌داند و به این امر اشاره دارد که علمای مسلمان بر خلاف مسیحیان مخالف کسب علم و دانش نبوده‌اند تا این امر سبب شود جوانان این امت بر علیه دین شورش کنند و آن را مانع پیشرفت بدانند. (همان. ۱۹/۶) حتی معتقد است که قرآن همه‌ی علوم را در بر گرفته و شامل می‌شود و به نقل از طنطاوی به این امر اشاره دارد که علمای مسلمان باید دست به کشف علوم مختلف در متن قرآن بزنند که متأسفانه چنین نکردند و خود را به مسایل غیبی مشغول کرده‌اند. (همان. ۳۳۹/۱۰) و خلاصه این که نسبت به عدم توجه به تحقیقات علمای غرب و کشفیات و اختراعات جدید از سوی مسلمانان اظهار تأسف می‌کند. (همان. ۱۸۰/۱۰) در جایی نیز به این امر اشاره دارد که مخاطب معجزات عوام مردم است و خواص مردم از طریق علم و مسایل مربوط به آن به حقایق هستی و وجود خداوند پی می‌برند. (همان. ۶۱/۲) مفسر در این زمینه چنان پیش می‌رود که فضل انسانی را که در جهت علمی به مردم خدمت می‌کند برتر از ملائکه می‌داند. (همان. ۴۰۷/۱۰) و خلاصه علم در کنار عمل را دو وسیله پیشرفت و ترقی مسلمانان می‌داند. (همان. ۵۱/۱۵-۵۰)

در کنار توجه به علوم تجربی توجه به نقش "عقل" در فهم و تبیین آیات قرآن ویژگی دیگری از تفسیر ملامحمد جلی زاده است. مفسر در جای جای تفسیرش به "عقل" به عنوان بهترین ابزار در کشف حقایق و درک واقعیت‌ها اشاره دارد. ایشان تفاوت اساسی عصر خاتم الانبیاء با عصر پیامبران گذشته را توجه بیشتر به عقل به جای توجه به امور محسوس در زمان آن‌ها (پیامبران گذشته) می‌داند. او در این زمینه بر نظریه ابو مسلم اصفهانی که بسیار متأثر از افکار ایشان است مهر تأیید می‌نهد و هر امر خارق العاده‌ای را که مخالف عقل باشد نمی‌پذیرد. (همان. ۳۰۲/۱) او در تفسیر آیات نخست سوره "بقره" هادی بودن قرآن را خاص کسانی می‌داند که در کنار اهتمام به نقش انبیاء در هدایت بشری به نقش عقل نیز در فهم آیات توجه داشته باشند. (همان. ۳۸/۱) جالب این است که بر خلاف بسیاری از مفسران، آیه "نساء؛ ۱۱۹" (فَلْيَعْبُرْنَ خَلْقَ اللَّهِ) را به عقل تفسیر کرده است و چنین تفسیری را معقول می‌داند. (همان. ۲۰۲/۲) در جایی علما را تشویق می‌کند که از طریق تعقل در آیات دست به کشف اسرار آن‌ها بزنند. (همان. ۳۳۹/۱۰) ایشان در کنار اهتمامی که به نقش عقل می‌دهد اما آن را در مسیر

هدایت و بدون کمک نبوت کافی نمی‌داند. (همان. ۱۹۳/۱۰) این نیرو را همراه و در کنار علم دو نیرویی می‌داند که ممیزه حیات بشری و سوق دهنده زندگی او به سوی سعادت هستند. (همان. ۱۸۷/۱۰)

ملا محمد در تفسیر بسیاری از آیات که مورد اختلاف مفسران است به عقل مراجعه کرده و از دیدگاه عقلی دست به ترجیح زده و یا خود رأی جدیدی را ارائه داده است. (همان. ۲۹۲/۱، ۳۱۴/۱۰)

* ویژگی دیگر تفسیر جلی زاده دعوت به وحدت فرق اسلامی:

نکته بسیار قابل توجه در تفسیر مفسر دعوت فرق و مذاهب اسلامی بخصوص اهل سنت و شیعه به وحدت اسلامی و اظهار تأسف از اختلافات موجود میان آن‌ها است؛ دعوتی که در کمتر تفاسیری مورد مشاهده است. (همان. ۱۳/۲، ۲۵، ۷۱۶/۱۰، ۳۲/۲، ۲۵۰/۵، ۳۳/۱۰)

علاوه بر آنچه مورد اشاره قرار گرفت توجه مفسر به چند نکته دیگر برجستگی خاصی به تفسیر ایشان بخشیده است از جمله:

۱. تبیین مواضع و افکار قادیانی، بهائی و امثال آن‌ها. (همان. ۱۰۴/۱)
۲. توجه خاص به عرفان و تصوف واقعی و به دور از خرافات. (همان. ۲۱۱/۹، ۷/۳، ۸۳، ۳۰۱، ۶۱/۹)
۳. اشارات فراوان و نقد مسایل کلامی اشاعره و معتزله. (همان. ۱۷۸/۱۰)
۴. استدلال خاص بر عدم نسخ در قرآن. (همان. ۱۳۴/۱، ۲۰۳)
۵. دفاع از شخصیت و حقوق زن. (همان. ۶/۸، ۱۶۹، ۶۲/۲، ۷/۱۰)
۶. اهتمام به اوضاع سیاسی اقتصادی و اجتماعی و تاریخی مسلمانان. (همان. ۶۹۰/۱۰، ۷۲۰، ۱۹/۶)
۷. دعوت علما به بیان مسایلی که به روز است و مردم با آن سروکار دارند. (همان. ۱۰۸/۱۰)
۸. توجه دادن مسلمانان به عدم تقلید محض از دیگران. (همان. ۲۷۱/۳، ۱۰/۶، ۳۳۹/۱۰)
۹. انعکاس فرهنگ و ادبیات قومش (کرد) در تفسیر آیات. (همان. ۸۱/۱، ۷۰۷/۱۰)
۱۰. استفاده فراوان از اشعار فارسی به ویژه شیخ سعدی و خیام.
۱۱. اشکال بر سیاستمداران و اظهار تأسف از بی‌سیاستی مسلمانان. (همان. ۱۹۴/۱، ۱۸۲/۳)
۱۲. اهتمام به مسایل مادی در کنار مسایل معنوی (دنیا و آخرت). (همان. ۳۸۸/۱۰، ۲۴۹)
۱۳. قضاوت منصفانه نسبت به اروپا و اروپائیان. (همان. ۳۲۷/۱۰، ۱۹/۸)
۱۴. مبارزه با تکفیر و احترام خاص به علمای مذاهب و فرق مختلف اسلامی. (همان. ۱۱/۶، ۶۳۸/۱۰)

۳. استاد ناصر سبحانی:^۳

استاد ناصر سبحانی به سه زبان کُردی، عربی و فارسی بیش از یک سوم قرآن را تفسیر نموده است. در حیات مفسر هیچ اثری در این زمینه از ایشان به چاپ نرسیده است و همه‌ی آثار به صورت ضبط شده (مسجل) در دست شاگردان ایشان محفوظ است. در چند سال اخیر دو اثر تفسیری از ایشان به چاپ رسیده است یکی تفسیر سوره "حمد" به زبان فارسی و دیگری تفسیر سوره "یونس" به زبان کُردی. استاد تفسیر سوره "حمد" را ضمن بیان موضوع "نماز" در چهار نوار کاست بیان داشته‌اند.

استاد ناصر سبحانی با وجود این که اجل فرصت پایان تفسیر قرآن را به ایشان نداد و تنها یک سوم قرآن را تفسیر نمود اما ارکان منهجش را با اختلافات جزئی که در برخی جاها مشاهده می‌شود می‌توان در چند رکن خلاصه کرد؛ منهج خاص و ویژه‌ای که می‌تواند یک مکتب تفسیری به شمار آید.

استاد سبحانی در ابتدای تفسیر هر سوره به وجه تسمیه سوره به نام مشهور آن می‌پردازد. ایشان معتقدند که نام سوره در فهم بهتر معانی آیات آن سوره بسیار مهم است و برای تعیین محور سوره‌ها توجه به نام سوره بسیار حایز اهمیت است. (سبحانی، ۱۳۶۳، ص ۲۵) پس از آن به تقطیع آیات و بیان محور یا محورهای سوره می‌پردازد. ایشان متن تفسیر را با بررسی مفردات هر مقطع به شکلی بسیار محققانه شروع می‌کند سپس آیات را تفسیر می‌نماید و بعد از تفسیر مقاطع مختلف به ارتباط این مقاطع با هم می‌پردازد. در بسیاری از سوره‌ها به ارتباط آن با سوره "حمد" اشاراتی دارد؛ زیرا معتقد است که خلص قرآن و روح و متن آن "سوره حمد" است و سوره‌های بعد از آن شرحی بر جوانب مختلف این سوره می‌باشند. در پایان نیز به درسهای و عبرتهای گرفته شده از سوره نیز اشاره می‌کند و آن را به زندگی عصر حاضر ارتباط می‌دهد.

نکته قابل توجه در تفسیر استاد سبحانی برقراری ارتباط بین سوره‌ها با هم و با متن قرآن یعنی سوره "حمد" و دیگری توجه به علوم عربی است. این دو امر در ابتدا تا انتهای تفسیر دیده می‌شود؛ مثلاً: در ارتباط سوره اعراف با انعام و با متن قرآن یعنی سوره حمد چنین آورده است: در بیان مناسبت سوره انعام با حمد گفته شد که با توجه به محور سوره حمد که وجوب موضعگیری عبادت و استعانت از سوی جهانیان در برابر ربوبیت و الوهیت خداوند و نیز بیان سرانجام پیمودن و نپیمودن صراط مستقیم می‌باشد، عدم التزام و روی گردانی از جهت‌گیری صحیح کار کسی نیست جز جدل گرایان بنابراین ابطال حجت و دلایل این جدل گرایان سوره‌ای را سبب خواهد شد که سوره انعام است و در بیان محور این سوره به آن اشاره شد. حال پس از

^۳ "ناصر سبحانی" فرزند محمد رشید در مهر ماه سال ۱۳۳۰ه. ش در روستای دوريسان از توابع شهرستان پاوه دیده به جهان گشود و اواخر سال ۱۳۶۸ه. ش پس از تحمل ۹ ماه و ۹ روز زندان همچون بسیاری از علمای سلف خود با دنیای فانی وداع گفت. استاد سبحانی در سال ۱۳۴۷ه. ش با انگیزه تسلط بر زبان قرآن و ادبیات عرب راهی حجره‌ی نودشه از توابع اورامانات پاوه گردید و در مدت زمان کوتاهی پس از مدارسه بسیاری از منابع علوم عربی در خدمت استاد محمدی مطلق به خدمت مرحوم استاد ملامحمد زاهد ضیایی در شهر پاوه رسید. ایشان علاوه بر تلمذ در خدمت دو استاد فوق‌الذکر در دوران تحصیل در خدمت استادانی چون ملامحمد بدائی، ملامحمد امین عالی تلمذ کرده و سرانجام در نیمه اول سال ۱۳۵۳ه. ش موفق به پایان تحصیلات علوم دینی گردید و در نیمه اول سال ۱۳۵۴ه. ش. در محضر مرحوم "شیخ عثمان نقشبندی" مفتخر به اخذ اجازه نامه علمی، امامت، افتاء و تدریس شد. استاد ناصر سبحانی عالم و عارفی ربانی و مجتهدی توانا بود. ایشان اهل مطالعه، تحقیق و تلاوت قرآن و تدریس آن بود. برای هر لحظه از زندگیش ارزش قائل بود. تأسیس مدرسه قرآن پاوه در سال ۱۳۵۴ه. ش با همکاری تعدادی از همفکرانش، مبارزه با نظام شاهنشاهی تا پیروزی انقلاب و آشنایی با بیداری اسلامی و قرار گرفتن در این مسیر از جمله فعالیت‌های دیگر استاد می‌باشد. (سبحانی، ۱۳۸۷، ص ۵)

ابطال دلایل و حجت‌های کژاندیشان و بخشیدن ثبات به اهل صراط مستقیم در سوره انعام، لازم است در سوره دیگر و در ادامه به تفصیل و به صورت واضح اشاره به سرانجام این دو گروه شود و چنین امری را سوره اعراف بر عهده گرفته است. (همان، ص ۹)

ارکان اساسی منهج تفسیری استاد سبحانی را می‌توان در هشت رکن به ترتیب زیر بر شمرد:

۱. بررسی مفردات

استاد نخستین رکن منهج تفسیری را تفکر و تعمق در فهم مفردات قرآن و بررسی آن‌ها هم از جهت معنای لغوی و هم از جهت معنای اصطلاحی معرفی می‌کند. ایشان معتقدند که چون قرآن به زبان عربی است پس نخستین گام در جهت فهم آن آگاهی بر معنای دقیق مفردات است. او در این زمینه معتقدند بهترین منبع مفردات راغب اصفهانی و مقاییس اللغة ابن فارس است. (سبحانی، ۱۳۶۱. فایل صوتی)

۲. تعیین محور سوره‌ها

استاد معتقدند که هر سوره دارای محور یا محورهای خاص به خود است که متن سوره حول آن محور یا محورها دور می‌زند. ایشان سوره "حمد" را متن قرآن می‌دانند یعنی خلاصه دین خدا سوره "حمد" است. این سوره "کتاب هدایت اجمالی" است. سایر سوره‌های قرآن تفصیل این اجمال و شرح متن آن هستند پس با هر یک از سوره‌ها در ارتباط است. (سبحانی، ۱۳۶۳. ص ۲۵)

ایشان در همین رساله در جایی می‌فرمایند: برای تعیین محور سوره‌ها توجه به نام سوره بسیار حایز اهمیت است. (همان)

۳. توجه به اسباب نزول اصلی نه عارضی

استاد سبحانی معتقد به "سبب نزول اصلی" است نه "سبب نزول عارضی" که در کتاب‌های حدیثی به آن‌ها اشاره شده است. سبب نزول اصلی را از روح آیات و جوّ حاکم بر آن‌ها و سوره‌ها می‌توان فهمید. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: "از طریق علم به مراد و محور [سوره‌ها] می‌توان به سبب نزول دست یافت." (همان، ص ۲۱)

۴. تقطیع آیات هر سوره

استاد سبحانی در همان رساله که به بیان محور سوره‌ها پرداخته است به تقطیع آیات سوره‌ها نیز اشاراتی دارد؛ مثلاً در تقطیع آیات سوره "بقره" چنین آورده است: "آیات این سوره در عین کثرت به مقدمه‌ای بیست آیه‌ای (۲۰-۱) و چهار فصل (۲۸۴-۲۱) و خاتمه‌ای دو آیه‌ای (۲۸۶-۲۸۵) تقسیم شده است. آیات چهار فصل به ترتیب عبارتند از: فصل نخست ۱۹ آیه، فصل دوم ۶۴ آیه، فصل سوم ۵۹ آیه و فصل چهارم ۱۲۲ آیه" و در ادامه به شرح و تبیین هر فصل به تفصیل می‌پردازد. (همان، ص ۲۸)

۵. تفسیر قرآن به قرآن

به صراحت می‌توان گفت که تفسیر استاد سبحانی "تفسیر قرآن به قرآن" است. ایشان در این زمینه چنان ارتباطی بین آیات برقرار کرده است که همه را در یک سمت و سو و در جهت ادای یک امر و وظیفه‌ی مشخص دیده است. در تفسیر برخی از آیات با استدلال به آیات دیگر بسیاری از روایات رسیده را یا دارای اشکال می‌داند و یا تأویل می‌نماید. (سبحانی، ۱۳۵۵. فایل صوتی)

۶. تطبیق دوباره آیات (نزول ثانویه)

استاد معتقد است که آیات دارای نزول متعدد در زمان‌ها مختلف هستند. زمانی در حیات پیامبرث برای معالجه بیماریهای موجود در جامعه در جهت هدایت به سوی صراط مستقیم نازل شده‌اند و در زمان‌های مختلف دیگر نیز برای معالجه همان بیماریها یا بیماریهای مشابه آن‌ها قابل نزول دوباره هستند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: "نیاز به هدایت به همراه آمادگی جهت دریافت و نگهداشتن آن، سبب نزول کتاب هدایت از سوی خدا شده است. از آنجایی که نیاز و آمادگی امری تدریجی است نزول کتاب هدایت نیز به تدریج صورت گرفته است. در نزول تدریجی نخست کتاب اجمالی یعنی سوره حمد نازل شده سپس تفصیل آن فرود آمده است. رعایت ترتیب یاد شده در امر دعوت و تربیت امری ضروری است." ایشان در ادامه می‌فرمایند: "نزول هدایت تنها جریان الفاظ بر زبان و یا نوشته شدن بر صفحات نیست. وجود کتاب هدایت در میان هر امتی تنها در صورتی مساوی با نزول آن است که سبب نزولش تحقق یافته باشد بر این اساس در حال حاضر تنها بخشی از قرآن در حال نزول است. در زمینه هدایت تنها آن بخش از قرآن مورد استفاده است که نزول حقیقی یافته باشد..." (سبحانی، ۱۳۶۳، ص ۲۰)

۷. تفسیر قرآن بر اساس روایات صحیح

استاد سنت را بر خلاف مشهور بین مردم مصدر دوم تشریح نمی‌داند بلکه آن را مبین قرآن می‌داند. (ناصر سبحانی، اصول فقه، مسجل) ایشان معتقدند که اگر روایتی با قرآن همخوانی داشت مبین آن خواهد بود و اگر مخالفت داشت و قابل جمع نبود قابل ردّ است اگر چه [در اصطلاح علم حدیث] صحیح باشد. (سبحانی، ۱۳۶۵، ص ۱۲) علاوه بر آنچه گفته شد استاد در چگونگی اخذ روایات و شخصیت راوی و تعریف صحابه پیامبر و عدالت آن‌ها نظرات شاذی دارند که تفصیل مطلب مقاله خاص به خود را می‌طلبد. (همان)

۸. استفاده از آرا و نظرات مفسران عصور مختلف

استاد سبحانی معتقد است که بیشتر مفسران متأسفانه ناقل اقوال مفسران پیش از خود بوده و کمتر دست به بیان مطالب جدید و کشف گنجینه‌های نهانی آیات قرآنی زده‌اند. ایشان تفسیر قرطبی را در زمینه مسایل فقهی، تفسیر روح المعانی را در زمینه بیان نکات مختلف و متعدد علمی، تفسیر المنار رشید رضا را در بسیاری از زمینه‌ها و تفسیر فی ظلال القرآن سید قطب را در زمینه مسایل تربیتی بسیار مورد استفاده می‌داند و بر تفسیر قاسمی و تفهیم القرآن امام مودودی نیز اعتماد خاصی دارد.

نتیجه‌گیری:

بدون شک هیچ تفسیری نمی‌تواند به همه‌ی جوانب بیان شده در قرآن به شکل خاصی بپردازد و همین نقیصه سبب به وجود آمدن روشهای تفسیری مختلفی در میان تفاسیر شده است به طوری که برخی از تفاسیر جنبه فقهی آن بر جوانب دیگر غالب است و برخی نیز به جنبه‌های کلامی یا تربیتی و یا بلاغی و امثال آن بیش از جوانب دیگر پرداخته‌اند. در میان سه تفسیر بیان شده علاوه بر اهتمام هر یک به جنبه بلاغی (سعید نورسی)، عقلی (جلی زاده) و تفسیر قرآن به قرآن (استاد سبحانی) بیش از جوانب دیگر، آنچه بیش از همه قابل توجه است عقل‌گرایی و توجه به عقل در کنار توجه به علوم تجربی در تبیین آیات و عدم محدود شدن سه مفسر در اکتفا به منقولات در تفسیر قرآن است. همین خصیصه سبب شده است که سه مفسر و تفسیر آن‌ها از آرا و نظرات و یا ترجیحات شاذ فراوانی برخوردار باشند و این امر در میان - حدافل - تفاسیر مفسران گرد امری است که کم‌تر مورد مشاهده می‌باشد.

سه تفسیر از سه مفسر در زمان‌های مختلف و سه محدوده جغرافیایی متفاوت نشان از توجه خاص و ویژه علمای کُرد به تبیین آیات کلام الله مجید و شجاعت آن‌ها در ارائه نظرات و آرای جدید و عشق و علاقه به کشف گوهرهای نهانی از کتاب آسمانی دارد که امید است با الهام از این بزرگان این راه و مسیر نه تنها در تفسیر بلکه در علوم مختلف ادامه داشته باشد.

فهرست منابع

۱. باپیر علی. (۲۰۰۸م). مه لای گه وره ی کویه. اربیل: التفسیر.
۲. برزنجی تریفه عثمان. (۲۰۱۰م). إسهامات العلماء الاكرد فی بناء الحضارة الاسلامیة. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳. جلی زاده ملامحمد. (۲۰۰۹م). تفسیر قرآن به زبان کُردی. عراق- سلیمانیه: نشر حمدی (دار حمدی).
۴. سبحانی ناصر. (۱۳۵۰ش). تفسیر سوره فرقان (تفسیر سوره الفرقان). فایل صوتی.
۵. سبحانی ناصر. (۱۳۵۶ش). اسباب نزول (اسباب النزول). فایل صوتی.
۶. سبحانی ناصر. (۱۳۶۰ش) مناظره (المناظره مع العلماء). فایل صوتی.
۷. سبحانی ناصر. (۱۳۶۱ش). مقدمه تفسیر. مخطوط.
۸. سبحانی ناصر. (۱۳۶۲ش). اصول فقه. فایل صوتی.
۹. سبحانی ناصر. (۱۳۶۳ش). محور سوره ها. مخطوط.
۱۰. سبحانی ناصر. (۱۳۸۷ش). اسمای حسناى خدا. (تدوین: جهانگیر ولدییگی). ایران-تهران: مردم سالاری.
۱۱. سبحانی ناصر. (۱۳۸۷ش). بررسی کلی نماز و تفسیر سوره حمد. ایران-تهران: نشر احسان.
۱۲. سبحانی ناصر. (۲۰۰۹م). تفسیر سوره یونس. عراق- اربیل: التفسیر.
۱۳. سبحانی ناصر. (۲۰۱۱م). عقیده اسلامی. عراق- سلیمانیه: کتابخانه عمومی.
۱۴. سبحانی ناصر. (۲۰۱۵م). علوم حدیث. ایران-تهران: نشر احسان.
۱۵. شمس الدین محمد بن علی بن احمد الداودی. طبقات المفسرین. الاستقلال الکبری / ۱۹۷۲م.
۱۶. قاسم عبدالرحمن احمد. (بی تا). سعید النورسی و اثره فی تفسیر القرآن الکریم. بی نا.
۱۷. محمد امین زکی بگ. مشاهیر الکرد و کردستان فی العهد الاسلامی. مصر. مطبعة السعادة. ۱۹۴۷م.
۱۸. نورسی بدیع الزمان سعید. (۱۳۸۲ش). اشاره الاعجاز فی مظان الایجاز. (ترجمه: محمد بانه ای). ایران-ارومیه: حسینی اصل.

Examining the interpretations of three contemporary Kurdish commentators (Nursi, Jalizadeh, Sobhani)

Jahangir Valdebigi¹, Mehdi Hosseinpanahi²

¹ Department of Islamic Education, Farhangian University, PO Box 889-14665 Tehran, Iran

² Department of Islamic Education, Farhangian University, PO Box 889-14665 Tehran, Iran

Abstract

Throughout its Islamic history, the Kurdish people have made remarkable efforts in various fields, including the interpretation of the Qur'an, and have presented numerous interpretations in different languages, including Arabic, Kurdish, and Persian, to the Islamic community. In this research, the interpretations of three contemporary Kurdish commentators have been investigated. The current research, which is considered a historical research, is descriptive and analytical, and its topics are collected from historical sources in a library form. The process of such a matter in the present era has been more than in the past, so that in the last hundred years, we can point to more than 60 complete and incomplete commentaries, some of which have been published and some of which are still manuscripts. In the meantime, the commentary of Saeed Nursi (resident of Turkish Kurdistan), Mulla Mohammad Jalizadeh (from Iraqi Kurdistan) and Professor Nasser Sobhani (from Iranian Kurdistan) attract the most attention both in terms of the method and the presentation of the content.

Keywords: Kurd, Tafsir, Mafsir, Nursi, Jalizadeh, Sobhani
